



از خود نشان دادند و نیاز به توسعه سازمان توپخانه که روز به روز محسوس تر می شد، حسن شفیع زاده که همیشه مترصد فرصت های طلایی بود و حداکثر استفاده را از این فرصت ها می نمود به این فکر و جمع بندی رسید که مسئولین کشور و فرماندهان عالی رتبه جنگ را باید به این نتیجه گیری برساند که در فکر خرید و تأمین سلاح جدید باشند لذا با یک حرکت برنامه ریزی شده و هوشیارانه مبادرت به توجیه و تبیین این

ضرورت و نیاز کرد و همزمان با بالاترین سطوح تصمیم گیران تا پایین ترین سطوح تصمیم سازان و کارشناسان، طرح موضوع کرده و رایزنی های گسترده ای را شروع کرد.

این اقدام بسیار سنجیده که پشتوانه قوی آن سازماندهی و عملیاتی کردن صدها عراده توپ غنیمتی بود و شاهد زنده و گویایی از توان بسیار بالای نیروهای سپاه تلقی می شد، خیلی زود به بار نشست و در کمترین زمان ممکن مسئولین رده اول کشور و جنگ به این نتیجه رسیدند که اولاً باید هرچه زودتر سپاه را به توپ های جدید با برد و دقت بیشتر مجهز کنند و این برای موفقیت در جنگ یک ضرورت بسیار حیاتی است و دوم اینکه پاسداران از ابعاد مختلف تاکتیکی، تکنیکی، فنی و تخصصی دارای این ظرفیت توانایی و قابلیت هستند که سیستم های جدید و پیچیده توپخانه را سازماندهی و به کار گیرند لذا این موضوع در شورای عالی دفاع تصویب و از نیمه دوم سال ۱۳۶۲ به بعد خرید سیستم های جدید توپخانه و تجهیزات لازم از کشورهای دوست و توسعه سازمان و تکمیل گردان های توپخانه لشکرها و نیز توسعه گروه های توپخانه با به کار گیری تجهیزات جدید صورت گرفت. این اقدام بسیار مهم و رویکرد مسئولین کشور به

تقویت و توسعه توپخانه سپاه در واقع هنر بزرگ شهید شفیع زاده بود که بعنوان فرمانده توپخانه سپاه و قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) هم خوب تشخیص داد هم خوب و درست تدبیر کرد و هم بسیار منطقی و مستدل موضوع را با مسئولین طرح و تا تحقق آن پیگیر نتیجه بود. شاید بتوان گفت روزی که اولین جنگ افزارها و تجهیزات جدید خریداری شده وارد سازمان رزم توپخانه سپاه شد در واقع روز تثبیت همیشگی سازمان توپخانه سپاه بود.

توسعه، تجهیز و عملیاتی شدن توپخانه سپاه آن قدر سریع، دقیق و محاسبه شده که بسیاری از فرماندهان رسته توپخانه ارتش که آموزش دیده آمریکا بودند را به تعجب واداشته بود به گونه ای بود که یک روز در یکی از عملیات ها، یکی از افسران ارشد فرمانده توپخانه ارتش که از توسعه سریع و عملیاتی شدن یگان های توپخانه در سپاه مطلع بود ضمن ابراز خوشحالی و در عین حال تعجب به یکی از فرماندهان توپخانه سپاه می گوید: «راه اندازی یک گردان توپخانه ۱۵۵م.م خودکشی SP در ارتش در دوران طاغوت که با نظارت و مدیریت آمریکایی ها صورت می گرفت حدود ۲ سال طول می کشید. چگونه شما در سپاه با این سرعت زیاد، توپ های غنیمتی را بازسازی، تعمیر و عملیاتی نموده و بلافاصله آنها را در عملیات بعدی بکار می گیرید؟»

دیده بان‌ی در عمق دشمن

اجرای آتش مؤثر بر مواضع نیروها و تجهیزات بعثی، یکی از ویژگی‌های اساسی توپخانه سپاه بود. این ویژگی، موهون برخورداری توپخانه سپاه از نیروهای داوطلب بسیجی و سپاهی بود که به عنوان دیده بان به ایفای نقش می‌پرداختند. شجاعت نیروهای مذکور آنگاه که با دانش و مهارت ترکیب شد، خالق شگفتی‌های بسیاری در جنگ گردید. شهید جعفر نجفی که در ابتدا، کار خود را با دیده بان‌ی برای هدایت آتش توپخانه ارتش در جبهه‌ها آغاز کرده و بعدها به یکی از فرماندهان مؤثر توپخانه سپاه تبدیل شد، یکی از این افراد بود. وی همزمان با فعالیت در واحد اطلاعات نظامی سپاه، کار دیده بان‌ی توپخانه را هم انجام و آتش‌های آنها را روی دشمن هدایت می‌کند و چندی بعد به عنوان یک دیدبان فوق العاده ماهر و شجاع موفق می‌شود با ارتباطی که با یگان‌های توپخانه ارتش که در منطقه مستقر بودند برقرار می‌کند، آنها چون به تبحر، دانش، تجربه و شجاعت وی واقف می‌شوند با هماهنگی‌هایی که صورت می‌گیرد آتش یگان‌های توپخانه ارتش را هم در اختیارش می‌گذارند. به طوری که تخصص و مهارت قوی او موجب وارد آمدن تلفات بسیار زیاد و مؤثری به دشمن می‌شود. این مهارت، شجاعت و جلب اعتماد آن قدر زبانزد می‌شود که سرهنگ ویدافر، فرمانده گروه توپخانه ۱۱ مراغه، که تعدادی از گردان‌هایش در این منطقه بودند با اطمینان به کلیه درخواست‌های آتش حاج جعفر جواب داده و حتی برای زدن هدف‌هایی که نجفی با نفوذ به عمق منطقه دشمن شناسایی ولی در برد توپخانه نبود چند آتشبار خود را به پشت خط مقدم منتقل و در یک عملیات غافلگیرانه، سرهنگ ویدافر و جعفر نجفی موفق می‌شوند ۸۰٪ یک تیپ عراقی را که برای حمله به خط خودی در مستقر شده بودند منهدم نمایند.

همچنین طی یک عملیات آتشباری دیگر به همین شکل، ویدافر و نجفی پالایشگاه و تأسیسات نفتی خانقین عراق را منهدم می‌کنند و این نقطه شروع همکاری‌های گسترده سپاه و ارتش در زمینه آتش‌های پشتیبانی می‌گردد و از آن به بعد هم ادامه یافته که در این

مقطع، جعفر مکرر به عمق خاک عراق نفوذ و ضربات کمرشکنی به ارتش عراق وارد می‌کند. جعفر در عملیات مطلع الفجر در منطقه قصر شیرین در دیماه سال ۱۳۶۰ حماسه‌ای بی نظیر آفرید. اولاً چون کل منطقه را خوب می‌شناخت در این عملیات شبانه، چندین گردان نیروی رزمنده خودی را حدود ۲۰ کیلومتر از میان میادین مین سالم عبور داده و با نفوذ، در پشت دشمن مستقر و سپس عملیات شروع شد که علت اصلی موفقیت عملیات نیز همین کار بود. ثانیاً خودش به عنوان دیدبان نفوذی تا عمق منطقه دشمن پیش رفته و از آنجا آتش‌های توپخانه ارتش را روی مواضع توپخانه، نیروهای پیاده و تانک‌های دشمن هدایت و دیده بان‌ی کرده ضربات مرگباری به ارتش عراق وارد کرد. اگر این اقدام متهورانه جعفر نجفی نبود قطعاً از ناحیه نیروهای احتیاط و دست نخورده و توپخانه دشمن شاید صدها شهید و زخمی در جبهه خودی داشتیم که این کار جعفر موجب انهدام توان دشمن شد. شدت غافلگیری دشمن در اثر این دو اقدام قهرمانانه نجفی تا آنجا بود که دشمن حدود ۲۰۰۰ کشته و زخمی و ۱۴۰ اسیر داد که این ضربه بسیار سختی برای ارتش عراق در آن زمان محسوب می‌شد.

در عملیات والفجر ۳ در آزادسازی مهران نیز حاج جعفر نجفی حماسه‌ای دیگر آفرید. بعد از آزادسازی مهران وقتی پاتک‌های سنگین عراق شروع شد احساس کرد اگر خودش در خط حضور یابد ضمن دادن روحیه به دیده بانان در خط و نیروها، آتش‌های توپخانه را بهتر و دقیق می‌تواند هدایت کند لذا شخصاً به دیدگاه قلاویزان در خط مقدم رفته و شروع به درخواست آتش کرد. جعفر با پیشروی دشمن، به یگان‌های توپخانه آتش به اختیار داده و در همین اثنا که به محاصره دشمن درآمد مختصات خود را داد و به همه یگان‌های آتش دستور داد محل مرا بنماید. اما فرماندهان آتشبارها به خاطر حضور جعفر در دیدگاه از اجرای آتش خودداری می‌کنند که ایشان در بی سیم با عصبانیت و تشر آنها را وادار می‌کند کل منطقه و محل او را بزنند که بچه‌ها با اکراه این کار را می‌کنند، ولی او یک متر عقب نیامد و در صورتی که همه خبر از وضع و خیم خط و

جلوگیری شد. در اوایل که این طرح ارائه شد، فرماندهان توپخانه ارتش دیدگاه چندان مثبتی به آن نداشتند، چون در آیین نامه های خود، موضوعی به عنوان «دیدگاه عمل کلی» را فرارنگرفته بودند، ولی وقتی اثرات مثبت و موفق آن را دیدند به تحسین آن پرداختند.

تبدیل توپخانه به یک سلاح بازدارنده در جنگ شهرها

یکی دیگر از اقدامات ابتکاری به کار گرفته شده در جنگ، بهره گیری از توپخانه به عنوان سلاحی با نقش بازدارندگی در برابر شرارت های دشمن بعثی در جنگ شهرها بود. با اتخاذ تاکتیک های مناسب، بعضی از انواع توپ های دوربرد، در مواضع ویژه ای مستقر و عهده دار پاسخ به بخشی از بمباران ها، موشک باران ها و زدن شهرهای ایران شدند. این کار طبق برنامه ریزی خاصی و بعد از بررسی های کارشناسی انجام شد و نقش به سزایی در انصراف دشمن از زدن مناطق مسکونی و قطع بمباران ها و... داشت.

شهید شفیع زاده تیمی از فرماندهان و متخصصان توپخانه سپاه را مأمور کرد تا تمام اهداف نظامی، اقتصادی و... دشمن را که در برد توپخانه خودی قرار داشت را شناسایی کرده و متناسب با آنها جنگ افزار و مواضع مناسب را تعیین و بعضاً اشغال و به محض اینکه دشمن اقدام به زدن مناطق مسکونی یا اقتصادی کشورمان می کرد در کمتر از نیم ساعت توپخانه های خودی پاسخ مناسب را طی عملیات مقابله به مثل می دادند.

در یکی از عملیات های مقابله به مثل که در پاسخ به پرتاب موشک به دزفول و چند شهر دیگر کشورمان صورت گرفت، به دستور شهید شفیع زاده، یگانی از توپخانه سپاه مأموریت یافت تا با زیر آتش قرار دادن نقاط حساس و نظامی شهر العماره عراق، به مقابله به مثل بپردازد. شهید حبیب... کریمی با دریافت مأموریت مقابله به مثل و زدن اهداف دشمن در منطقه العماره، متوجه کافی نبودن برد و عدم امکان زدن آن اهداف به وسیله توپخانه می شود. لذا بعد از بررسی، طرح ساخت یک سکوی بتونی بزرگ در وسط دریاچه

سقوط آن می دادند او با روحیه بسیار بالا و با شجاعت تصحیحات می داد در حالی که اطراف او دشمن مستقر شده و از دیدگاه او عبور کرده بود. بالاخره جعفر با شجاعتی وصف ناشدنی آتش ها را متمرکز و موجب انهدام دشمن و عقب نشینی آنها و نجات مهران از سقوط شد و ساعتی بعد مجدداً صدای نجفی در بی سیم ها پیچید و خبر شکست پاتک دشمن و سلامتی خود را داد. به اعتقاد اکثر فرماندهان حاج جعفر نجفی با هدایت بسیار عالی و دقیق آتش ها توانسته بود در جریان پاتک عراقی ها در این عملیات، یک شکست قطعی را به یک پیروزی قطعی تبدیل کند.

طرح ایجاد دیدگاه عمل کلی

همان طور که قبلاً اشاره شد، یکی از افراد خوش ذوق و مبتکر توپخانه سپاه، شهید جعفر نجفی بود. یکی از ابتکارات دیگر ایشان در توپخانه، طرح ایجاد «دیدگاه عمل کلی» بود که هدف آن ایجاد یک دیدگاه برای هدایت و کنترل همه آتش های توپخانه در هر منطقه بود، خصوصاً هدایت آتش یگان های برد بلند با یک میدان دید وسیع در نقاط سرکوب یا دکل های دیده بانی. تا قبل از ارائه این ایده، طبق اصول کلاسیک، آتش یگان های توپخانه کمک مستقیم در اختیار دیده بان های در خط بود و آتش یگان های برد بلند هم یا در اختیار همین دیده بان ها بود یا به اصطلاح «مختصاتی» و بدون دیده بانی اجرا می شد. نجفی با ارائه این طرح خدمت بسیار بزرگی به دفاع مقدس کرد که در دو بعد قابل توجه است: یکی از بعد تاکتیکی کاربرد توپخانه که آتش ها دیده بانی و هدایت شده اجرا شده و در نتیجه مؤثرتر واقع شده و تلفات زیادی از دشمن می گرفت. ثانیاً از بعد اقتصادی که با اجرای آتش به صورت مختصاتی و بدون دیده بانی، مهمات به هدر نمی رفت. این ابتکار وقتی اثراتش در صحنه عمل به اثبات رسید، تبدیل به یک تاکتیک جدید در میدان های دفاع مقدس شد و برای همیشه در توپخانه نهادینه گردید. به گونه ای که در اثر اجرای این ابتکار و تاکتیک، تلفات دشمن در جنگ افزایش و نیز از هدر رفتن هزاران هزار گلوله مصرفی در اثر اجرای آتش به صورت مختصاتی

گستاخی دشمن در زدن شهرها و مناطق مسکونی کشور، فرماندهان مافوق، اجازه عملیات مقابله به مثل را صادر کرده و از جمله به یگان ایشان مأموریت بصره ابلاغ می شود.

بر اساس طرح پیش بینی شده، یگان توپخانه ابتدا باید برای هوشیاری و عدم آسیب رسیدن به مردم بصره و نیز به عنوان هشدار به دشمن و اعلام توانایی زدن شهر و در تیررس قرار گرفتن آن، چند گلوله روشن کننده روی شهر شلیک نماید که برای این مأموریت باید توپخانه ۱۳۰م. را دقیقاً پشت خط مقدم خودی در شلمچه برده و این شلیک انجام می شد. شهید تقی جراح که به اهمیت این کار واقف بود خود شخصاً با انتقال قبضه های توپ به خط مقدم علیرغم خطراتی که از سوی خمپاره اندازها، تانک ها و توپخانه دشمن متصور بود مبادرت به حضور در موضع تیر و شلیک نمود که این کار در آن مقطع یک فداکاری بزرگ و نیز یک برتری تاکتیکی مهم بر دشمن تلقی می شد که به خوبی انجام و موجب شد تا مدتی دشمن دست از شرارت خود بردارد.^(۱)

قطع ارتباط نیروی دریایی عراق با نیروهای

گرچه مأموریت توپخانه بیشتر اهداف ثابت می باشد اما در جنگ گاهی اوقات با اجرای آتش از تردد شناورهای عراقی نیز جلوگیری می شد. بعد از عملیات فاو و استقرار نیروهای ایرانی در بندر فاو عراق، نیروی دریایی عراق در بندر ام القصر محبوس شده و به سختی قادر به عبور از خور عبدا... و دسترسی به آب آزاد و یاپشتیبانی از نیروهایشان در اسکله های الکبر و الامیه بودند. بر همین اساس، آنها با استفاده از تاریکی سعی می کردند تا این کار را بدون دید ما در شب انجام دهند. ما بچه های توپخانه قرارگاه نوح که مسئولیت منطقه را بر عهده داشتیم به فکر فرو رفتیم که چگونه می توانیم بدون دید، اجرای آتش مؤثر را بر روی شناورهای در حال حرکت عراقی ها در شب داشته باشیم.

پس از مدتی تأمل، ابتکاری در ذهن بچه ها جرقه اش زده شد و وقتی به مرحله اجرا درآمد شاهد موفقیت آن بودیم. از قدیم تعدادی نشان دریایی در

هورالعظیم در عمق ۲۵ کیلومتری را تهیه و آن را به فرماندهان قرارگاه ارائه که شدیداً مورد استقبال قرار گرفته و بعد از ساخت آن یک سیستم توپخانه دوربرد را بر روی آن مستقر و برای اولین بار و در کمال ناباوری دشمن، اهداف مهمی را در استان العماره با غافل گیری تمام زیر آتش قرار دادند و تلفات و خسارات زیادی به آنها وارد شد. این اقدام موجب قطع بمباران و موشک باران شهرهای کشورمان تا مدت مدیدی توسط عراقی ها گردید چرا که ضربات جبران ناپذیری از آتش توپخانه در اثر اجرای این طرح متحمل شدند.

استقرار قبضه های توپ ۱۳۰م در عمق زمین

یکی دیگر از خلاقیت ها و ابتکارات توپخانه سپاه در منطقه طلائییه بکار گرفته شد. در این منطقه به علت مسطح بودن زمین، کوچک ترین تحرکی از سوی نیروهای ایرانی در دید دشمن قرار داشت. برای واحد های توپخانه که به دلیل کند بودن تحرک و حجیم بودن تجهیزات، بیشتر در معرض دید دشمن قرار می گرفتند، این مشکل دو چندان جلوه می کرد. یکی از فرماندهان شهید توپخانه سپاه به نام حسن غازی بلافاصله طرحی را برای استقرار توپخانه ارائه داد که تا آن روز به فکر هیچکس نرسیده بود و آن عبارت از این بود که دستور داد در منطقه مسطح طلائییه به جای خاکریز زدن دور توپ، گودالی برای هر توپ ۱۳۰م. با آن جثه بزرگ در زمین کنده شود و قبضه توپ را در آن مستقر و شلیک نماید. همه کسانی که این طرح را شنیدند واقعاً بهت زده شده و تا پایان جنگ نیز راه حلی بهتر از این برای آن منطقه پیدا نشد. لذا بلافاصله دست به کار شده و شبانه موضعی گودال شکل احداث و خاک های آن نیز کف بیابان پهن شد تا دشمن هرگز متوجه وجود موضع نشود.

گلوله های منور توپخانه سپاه در آسمان بصره

یکی از اقدامات مهم شهید تقی جراح، یکی دیگر از فرماندهان شهید توپخانه سپاه، در جبهه های جنگ، شلیک گلوله های روشن کننده روی آسمان بصره به وسیله توپ ۱۳۰م. بود. بعد از عملیات رمضان و

۱. این بخش از مطالب از کتاب توپخانه نیروی سپاه در جنگ که به همت شهید یزدانی تهیه شده است می باشد.

توپ نصب کردیم و پس از آن از این تانک توپ در مناطق رملی و شنزار به کرات استفاده کردیم.^(۳)

انهدام دکل دیده‌بانی با تیر مستقیم توپ ۱۳۰م

برخلاف عملیات والفجر ۸ که ما دید کامل به دشمن داشتیم، در عملیات کربلای ۵، عراقی‌ها در جنوب اروندرود و در منطقه پتروشیمی خود چندین دکل داشتند که از طریق دیده‌بانی با آنها، آتش مؤثری بر نیروهای خودی اجرا می‌کردند و این مساله بچه‌ها را به شدت آزار می‌داد. اجرای آتش توپخانه به صورت منحنی و بمباران هواپیماهای خودی نیز چاره ساز نبود. با تلاش بچه‌های توپخانه سپاه، دژی که در منطقه خودی قرار داشت نقطه مناسبی برای انهدام دکل دیده‌بانی عراقی‌ها تشخیص داده شد. لذا برای اینکه توپ ۱۳۰م در آن قرار بگیرد، دژ را شکافته و توپ را در آن قرار می‌دهند بالاخره توپ ۱۳۰ که برد مؤثر ۸ کیلومتری دارد، با شلیک چند گلوله به صورت مستقیم موفق شد تا دکل دیده‌بانی دشمن را منهدم نماید.^(۳)

هدایت نیروهای پیاده در عملیات بیت المقدس

در عملیات بیت المقدس، خط حد تیپ ۱۴ امام حسین (ع) ایستگاه حسین و ۹۰ بود که عرض آن حدود ۱۰ کیلومتر می‌شد. شهید خرازی فرمانده تیپ نگران بود که بچه‌های پیاده به دلیل تاریکی شب و گستردگی منطقه، خط حد را گم کرده و در موعد مقرر به اهداف مورد نظر دست پیدا نکنند. وقتی موضوع را با ما در میان گذاشت، من گفتم که می‌توانیم بر روی مختصات هر دو ایستگاه (حسین و ۹۰) اجرای آتش منور کنیم و از این طریق بچه‌ها را از سردرگمی در منطقه نجات دهیم که مورد موافقت شهید خرازی قرار گرفت و با اجرای این عمل، درصد موفقیت بچه‌ها افزایش پیدا کرد.^(۴)

وسط خور تعبیه شده بود، مادر روز آنها را به عنوان نقطه نشانی ثبت نمودیم و مطمئن شدیم که در شب بدون داشتن دیده‌بان می‌توانیم با استفاده از مختصات ثبت شده به اجرای آتش در محدوده مورد نظر بپردازیم.

پس از هماهنگی با واحد اطلاعات قرار شد رادارهای نیروی دریایی سپاه هرگونه تردد و جابجایی در محدوده مورد نظر را سریعاً به ما اطلاع دهند تا ما که از قبل گلوله‌گذاری راکت‌ها و توپ‌ها را انجام داده و مدت پرواز گلوله از زمان شلیک تا زمان فرود بر روی آب را نیز محاسبه کرده بودیم، به اجرای آتش در نقاط اعلام شده بپردازیم. این اقدام باعث شد تعدادی از شناورهای عراقی مورد اصابت واقع شوند و نهایتاً تردد آنها از خور عبدا... به طور کامل قطع گردید. به عنوان نمونه یک روز صبح در مرکز تطبیق آتش گروه توپخانه ۴۲ یونس (ع) بودم که سردار علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه زنگ زده و گفت که ظاهراً بچه‌های شما دیشب یکی از شناورهای دشمن را در خود شیلانه مورد هدف قرار داده‌اند، به دیدگاه برو و قضیه را پیگیری کن. سریعاً به دیدگاه رفتم و مشاهده کردم که یک فروند شناور عراقی در حال سوختن می‌باشد و یک فروند هلیکوپتر دشمن از بالا مشغول خاموش کردن آن و یک فروند یدک کش برای دفاع از آن از آتش‌های بعدی توپخانه ایران تلاش می‌کند.^(۱)

انتقال و تحرک توپخانه در مناطق رملی

یکی از مشکلات توپخانه، انتقال و شلیک کردن قبضه‌های توپ در مناطق رملی بود. چون از یک طرف وسایلی که قبضه‌های توپ را جابجا می‌کردند در مناطق رملی قادر به تحرک بالایی نبودند و از طرف دیگر در مناطق رملی به دلیل سست بودن زمین، توپ‌ها در هنگام شلیک نشست می‌کردند و این مانع از اجرای آتش دقیق بود. در عملیات والفجر مقدماتی، شهید حسن درویش فرمانده وقت تیپ امام حسن (ع)، ایده‌ای را مطرح کرد که مورد توجه برادران توپخانه قرار گرفت. بر اساس آن ایده، آمدم و تانکی را که بر جک آن خراب شده بود (تانک تی ۵۵ غنیمتی عراقی) بر رویش

(۳) مصاحبه اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سرهنگ تسویه چی.

(۱) مصاحبه اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار سپهری.

(۴) مصاحبه اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار رضایت.